

بگذار طبقات حاکمه در مقابل انقلاب کمونیستی بر خود بلرزند.
کارگران در این میان چیزی جز زنجیرهای خود را از دست نمانند،
ولی جهانی را بدست خواهد آورد.
کارگران جهان متحد شوید!

پیام حمید تقوایی رهبر حزب کمونیست کارگری ایران به مردم ایران

بمناسبت اوجگیری بحران انتخاباتی حکومت

از این مبارزات برخیزند. اعلام همبستگی دانشجویان در روز ۱۶ آذر از اعتصاب کارگران پتروشیمی یک نمونه درخشان از این نوع حمایتها بود. این باید الگویی باشد برای ایجاد یک ارتباط پیوسته و همبستگی متقابل بین اعتصابات و اعتراضات همواره در حال جریان کارگران و اقشار دیگر مردم. هیچ اعتراض و اعتصابی نباید منفرد بماند. اتحاد مبارزاتی مردم و مشخصا کارگران و دانشجویان و زنان کلید و حلقه اصلی تعرض وسیعتر و کارساز تر به رژیم است.

کارگران، جوانان، دانشجویان و زنان مبارز! صفوف خود را متحد و یکپارچه کنید! مبارزات خود را در هر سطح و عرصه و

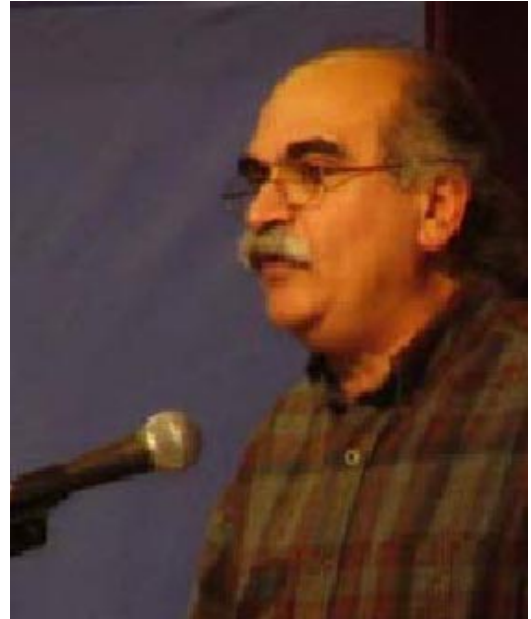
صفحه ۲

ایران خودرو، نساجیهای کاشان، فرش گیلان، شرکت نساجی پارس و ده ها کارخانه و واحد تولیدی دیگر، اعتراض معلمان، اعتراضات مردم و درگیری گروههای امداد رسانی با حکومت جانین باخطر جنایت و رذالتشان در قبال مردم زلزله زده بم، کمپین اعتراض به حکم اعدام کبری رحمانپور، و اعتراضات و اعتصابات بسیار دیگری در سطوح مختلف جامعه در جریان است. این مبارزات باید متحد و یکپارچه شود، بهم تنیده شود و مانند یک نیرو و ضربه واحد و قدرتمند بر پیکر نحیف رژیم وارد بیاید.

فعالین این اعتراضات، سخنگویان و رهبران عملی مبارزات کارگری و دانشجویی و مبارزات معلمان و زنان باید از مبارزات یکدیگر اعلام همبستگی کنند و به دفاع

است و به درست شما مردم آزادیخواه با بی اعتنایی و تمسخر به آن مینگرید. این دعوا، همانند کل مضحکه ای که آنرا انتخابات مینامند، ربطی به ما مردم ندارد. مساله ما مردم جارو کردن کل این جانین و حکومت توحش اسلامی است. بحران انتخاباتی کنونی رژیم به هر شکل پایان برسد، حاصل آن حکومتی ضعیف تر و از هم پاشیده تر و ضربه پذیر تر خواهد بود. باید چون صفی واحد بمیدان بیاییم و کارشان را یکسره کنیم.

مردم مبارز! شما هیچگاه از پای ننشسته اید. از شکافی که در میان حکومتیان ایجاد شده استفاده کنید و صفوف مبارزات را فشرده تر کنید. هم اکنون مبارزات کارگران پتروشیمی،



با رد صلاحیت کاندیداهای جناح دو خرداد بوسیله شورای نگهبان و تحصن آنان در مجلس اختلافات و بحران داخلی جمهوری اسلامی بالا گرفته است. این یک دعوی داخلی بر سر تناسب قوای جدید جناحها در حکومت

مبارزه برای کاهش ساعات کار

صفحه ۴

در رابطه با مرگ دو کارگر در ایران خودرو

صفحه ۲

اخبار اعتراضات

کارگری در دیماه ۸۲

صفحه ۴

مبانی کمونیسم کارگری سمینار اول کمونیسم کارگری

منصور حکمت

صفحه ۶



شهلا دانشفر

shahla_daneshfar@yahoo.com

برای افزایش حقوقها شروع شد و برای مبارزه برای این خواست معلمان پرچم برابری را بلند کردند و علیه تبعیض شعار دادند. با شعار "معلم ۶۰۰۰۰ نماینده ۶۰۰۰۰۰۰"

علیه این تبعیض ایستادند و

صفحه ۵

معلمان خواستها مبارزات

نزدیک به ۴ سال از مبارزات معلمان میگذرد اما تا کنون به هیچ کدام از خواستهایشان پاسخی داده نشده است. اعتراضات معلمان در چند ساله اخیر بطور واقع انعکاس خواستهای بخش سکولار، آزادیخواه و رادیکال و چپ جامعه بوده است. معلمان از خفقان حاکم در مدارس، تفتیش عقاید و وجود سانسور، تحمیل قوانین اسلامی و سنن ارتجاعی در مدارس، تحمیل حجاب اجباری و آپارتاید جنسی و از تبعیض در جامعه و زندگی کردن در زیر خط

فقر به ستوه آمده اند. مبارزه معلمان مبارزه ایست برای آزادی و برابری. مبارزه ایست برای جارو کردن بساط خرافه و مذهب از محیطهای آموزشی است. امروز که معلمان در تدارک اعتصابی دیگر هستند، امروز که زمزمه های اعتراض بیش از هر وقت در میان آنان بالاگرفته است، با هم به رئوس خواستها و مبارزاتشان نگاهی بیندازیم.

معلمان چه میخواهند؟

اعتراضات معلمان از مبارزه

همبستگی کارگری با کارگران معترض پتروشیمی

بنا به کمپینی که حزب کمونیست کارگری برای جلب پشتیبانی از کارگران پتروشیمی شروع کرده است تا به حال اتحادیه های بزرگ و موثری در اروپا و آمریکا با ارسال نامه های اعتراضی به دولت ایران از خواسته های کارگران پتروشیمی دفاع کرده اند.

این اتحادیه ها عبارتند از: **اتحادیه کارگران فلز آلمان** با ۳ میلیون عضو. **۲۸ اتحادیه کارگران در آمریکا** که لیست آن در سایت روزنه دات کام موجود است، **فدراسیون سراسری کارگران شیمیائی ث ژ ت در فرانسه**، **اتحادیه پست کانادا** با ۵۵ هزار عضو. **حزب سوسیالیست دموکراتیک و سازمان سوسیالیستهای آترناتیو آلمان**، **اتحادیه کارکنان بیمارستانهای کانادا** با ۴۵ هزار عضو.

این کمپین ادامه دارد و تاکنون دهها سازمان و اتحادیه کارگری از کارگران پتروشیمی حمایت کرده اند و به حکومت اسلامی اعتراض نموده اند. سایر نامه های حمایتی در شماره های بعدی درج میگردد.

حمله وحشیانه به کارگران افغانی شدیداً محکوم است

جمهوری اسلامی بار دیگر در صدد است که به کارگران افغانی که تحت شرایط برده وار برای سرمایه داران مشغول کارند، حمله ور شود. این کارگران در شرایط بی حقوقی کامل قرار دارند و ضعیفترین بخش کارگران در ایران را تشکیل میدهند. رژیم اسلامی سرمایه زندگی بسیار طاقت فرسایی را در همه عرصه ها برای این انسانهای شریف برقرار کرده است. هر از چندگاهی این جانینان به بهانه های مختلف این فشارها را ده چندان میکنند و کارگران را در بدترین شرایط از کار اخراج میکنند و یا به شکل توهین آمیزی آنها را به افغانستان بازمیگرداند. اینبار این هجوم را میخواهند از اصفهان شروع کنند. صحبت های یکی از کاربدستان رژیم را بخوانید.

خبرگزاری کار ایران: «مدیر کل کار و امور اجتماعی استان اصفهان از برنامه ریزی این اداره برای ایجاد اشتغال برای بیش از پنج هزار نفر از طریق طرح ضربتی اشتغال تا پایان سال جاری خبر داد و گفت: یکی از راه کارهای اساسی برای حل مشکل بیکاری، جایگزینی کارگران خارجی با جوانان ایرانی است و ما در همین راستا با شناسایی بیست هزار تن از کارگران خارجی در استان اصفهان و برخورد قانونی با کارفرمایان متخلف، زمینه اشتغال ده هزار نیروی کار ایرانی را فراهم خواهیم ساخت. به گفته وی در استان اصفهان نود هزار کارگر خارجی مشغول به کار هستند که فاقد پروانه کار میباشد.»

یک دنیای
بهتر
را بخوانید!

به کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های آزاد وسازمانهای کارگری در رابطه با مرگ دو کارگر در ایران خودرو

شرایط کاری ای که به برده داری شبیه است خلاص شوند.

۲- مبارزات کارگران ایران خودرو در اعتراض به مرگ همکار خود "امید اولادی" و "پیمان خسروزاده رضی لو" و کاهش فشار کار در کارخانه را مورد حمایت قرار دهید.

۳- حکومت اسلامی ایران مسئول مرگ این دو کارگر جوان است. این حکومت را به دلیل تحمیل شرایط برده وار کار و مغبایر با استانداردهای بین المللی بر کارگران و سرکوب اعتراضات کارگرانی که به این شرایط اعتراض دارند، محکوم کنید. با احترام از طرف حزب کمونیست کارگری ایران شهلا دانشفر

ایران خودرو به مرگ همکارانشان اعتراض کرده اند اما اعتراض آنها با خشونت سرکوب شده است و تعداد زیادی از کارگران به دلیل اعتراض اخراج شده اند و هم اکنون ۱۵ نفر از کارگران به جرم شرکت در اعتصاب در معرض اخراج قرار دارند. همین اکنون که نامه را می نویسم کارگران ایران خودرو در اعتراض به فشار سنگین کار و مرگ همکارانشان در اعتصاب به سر میبرند. این کارگران به کمک و پشتیبانی نیاز دارند. از شما تقاضا میکنم:

۱- هیئتی را برای بررسی وضعیت کارگران کارخانه ایران خودرو و کلا شرایط کار در ایران اعزام کنید. کمک کنید تا کارگران از فشار کار و

دوستان گرامی احتمالاً خبر دارید که در عرض سه ماه گذشته دوتن از کارگران کارخانه دولتی "ایران خودرو" بنامهای "پیمان رضی لو" ۲۵ ساله و "امید اولادی" ۲۲ ساله هنگام کار بیهوش شده و پس از چند ساعت جان باخته اند. مرگ دوکارگر جوان در اثر فشار کار بیانگر شرایط غیر انسانی کار در ایران است. وقتی دو کارگر در یک کارخانه دولتی به فاصله سه ماه بیهوش میشوند و میمیرند، این خود شاهدهی بر این واقعیت است که در عین حال دهها نفر معلول و مریض و ناقص العضو میشوند و از کار می افتند و اخبار آن در هیچ کجا منعکس نمیشود. کارگران

پیام حمید تقوایی رهبر حزب کمونیست کارگری ایران به مردم ایران

با شعار آزادی، برابری، مرگ بر جمهوری اسلامی و پا پرچم اعلام حمایت از مبارزات کارگران و معلمان و دانشجویان به خیابانها بیایید و مضحکه انتخاباتی رژیم و کشمکش جناحهای حکومتی را به بحران مرگ و تبدیل کنید. تجربه اعتراضات و تظاهرات عظیم بیست خرداد تا ۱۸ تیر امسال نشان داد که تعرض وسیع و پیوسته به جمهوری اسلامی کاملاً امکان پذیر است. این تعرض در اشکال وسیعتر و متحد تری میتواند و باید دوباره بمیدان بیاید. بجان هم افتادن جناحهای حکومتی میتواند نقطه آغاز هفته های تعرض پیوسته به رژیم با شعار مرگ بر جمهوری اسلامی باشد. باید چون صفی واحد بمیدان بیاییم و کارشان را یکسره کنیم.

انتخاباتی رژیم به یک گام بزرگ بجلو در اتحاد و همبستگی جنبش انقلابی برای سرنگونی و ضربه نهایی به رژیم منحوس اسلامی تبدیل شود.

مردم آزادیخواه به این حکومت مهلت ندهید.

با هر مطالبه مشخصی که دارید گسترده تر و تعرضی تر کنید. پرچم همبستگی با مبارزات همسنگراتان در عرصه های دیگر را بلند کنید و حمایت از خواست آنان را نیز به مطالباتان بیفزایید. باشد که بحران

انقلاب کارگری

شنبه ها منتشر میشود

سردبیر: امیر توکلی

تلفن: 00 358 405 821 776

ایمیل: tavakoli@hotmail.com

زنده باد جنبش مجمع عمومی!

صندوق همبستگی مالی با کارگران اعتصابی در ایران!

www.kargaran.org

سایت کارگران طبق اطلاعیه ای در ۵ ژوئن ۲۰۰۳ خبر از تشکیل صندوق حمایت مالی در دفاع از کارگران چیت به شهر داد. اکنون با شدت گرفتن جنبش سرنگونی مردم در ایران و شدت گرفتن جنب و جوش اعتراضی در میان کارگران این صندوق را به صندوق حمایت از کارگران اعتصابی در ایران اختصاص دادیم. با کمک به این صندوق به استقبال و حمایت از اعتصابات کارگران در ایران برویم.

واقعیت اینست که همیشه در شرایطی که کارگران دست به اعتصاب میزنند. بویژه اعتصابات طولانی مدت یکی از مسائلی که همواره بر دوش کارگران و تداوم و تحکیم مبارزه شان فشار میآورد مساله مالی است. بویژه در شرایطی که سطح دستمزد کارگران آنقدر نازل است که حتی کفاف اولیه ترین مایحتاج آنها را نمیکند، در شرایطی که در بخشهای وسیعی از مراکز کارگری کارگران ماهیست که دستمزدی دریافت نکرده اند، این فشار شکل حادث و جدی تری بخود میگیرد. صندوق همبستگی مالی با کارگران یکی از سنت های جافته در مبارزات کارگری و ظرفی برای ایجاد همبستگی و تقویت اتحاد در میان کارگران است. صندوق همبستگی مالی در حمایت از کارگران اعتصابی میکوشد که به این نیاز پاسخ دهد. به صندوق همبستگی مالی در دفاع از کارگران اعتصابی کمک کنید.

کمک های خود را به این شماره واریز کنید:

اسم بانک:

Name of the bank: Lloyds Bank

شماره حساب:

Account nr: ۰۰ ۴۴ ۲۶ ۱۵

Sort code: ۳۰ ۹۹ ۸۶

Name: A-J نام دارنده حساب:

سایت کارگران

شهلا دانشفر

۲ ژوئیه ۲۰۰۳

از سایت کارگران دیدن کنید

سایت کارگران منعکس کننده اخبار اعتراضات و مبارزات کارگران و بررسی مسائل گری جنبش کارگری است. با ارسال گزارش و خبر و مقالات و عکس در زمینه مسائل جنبش کارگری در ایران و جهان با این سایت همکاری کنید.

سردبیر: شهلا دانشفر

آدرس سایت: www.kargaran.org

آدرس ای میل: shahla_daneshfar@yahoo.com

نشریه انقلاب کارگری از این سایت قابل دسترسی است

www.kargaran.org

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران

کارگران شرکت احیا گستر سبز وابسته به ایران خودرو اعتصاب کردند

کارگران خواهان معرفی مسببین مرگ همکارشان امید اولادی هستند

روز دوشنبه ۲۲ دیماه کارگران شرکت "احیا گستر سبز" وابسته به "ایران خودرو" دست از کار کشیدند و به بخشنامه مدیریت در مورد عدم محاسبه حق اضافه کاری روز جمعه اعتراض کردند. بنا به این گزارش که در پیک ایران منتشر شده با ورود مامورین حراست ایران خودرو، دامنه اعتراضات بالا گرفت و کارگران خواستهای دیگر خود را نیز به این شرح اعلام کردند:

- ۱- ما خواستار امنیت جانی و شغلی و شناسائی مسبب مرگ همکار خود امید اولادی که چند روز قبل در سالن خط تولید فوت کرد هستیم.
- ۲- ما روزهای جمعه تحت شرایط کار عادی کار نخواهیم کرد چون در هیچ قانونی چنین چیزی وجود ندارد
- ۳- ما خواهان دریافت حق افزایش تولید (آکورد و تمام مزایای متعلقه) مثل نیروهای رسمی شرکت ایران خودرو می باشیم
- ۴- ما خواهان دریافت حقوق برابر و افزایش تولید برابر (رکورد) با کارگران شرکت ایران خودرو می باشیم
- ۵- ما خواهان انحلال شرکت پیمانکاری و خدماتی احیا گستر سبز و استخدام رسمی در شرکت ایران خودرو هستیم (چون ما همگی دارای دیپلم و کارگر خط تولید و دائمی می باشیم)

حزب کمونیست کارگری ایران همه کارگران و مردم شریف را به حمایت از کارگران معترض و اعتصابی ایران خودرو و محکوم کردن تحمیل شرایط برده وار کار در ایران خودرو و شرکتهای وابسته به آن فرا میخواند. دست اندرکاران جمهوری اسلامی و مدیریت ایران خودرو مسبب مرگ دو کارگر جوان (امید اولادی و پیمان رضی لو) در فاصله سه ماه در زیر فشار برده وار کار هستند. این جانباختن بجای پاسخگو بودن به این جنایت اکنون کارگران معترض به مرگ همکاران خود را زیر فشار و تهدید و اخراج قرار داده اند و بر شدت فشار کار افزوده اند. باید فریاد اعتراض به این جنایات را بیش از پیش بلند کرد.

مرگ بر جمهوری اسلامی

آزادی برابری حکومت کارگری

۲۴ دیماه ۱۳۸۲ - ۱۴ ژانویه ۲۰۰۴

ادامه

مبارزه برای کاهش ساعات کار

آن نقشه دارند، آنهم کاهش ساعات کار به درجهای است که انسانها از کار لذت ببرند. نه اینکه به آن بعنوان طوقی بر گردن بنگرند. امروزه در ایران، جمهوری

اسلامی حتی دستمزدهای به ظاهر توافق شده را هم نمیپردازد و هر روز به فکر بیکار کردن و بستن محیطهای کار بیشتری است. سرمایه داران ریز و درشتش در ارگانهای مافیائی مانند بنیاد مستضعفان و جهاد سازندگی

گردن کلفتتر میگردند و کارگران بیشتری هر روز به جرگه بیکاری میپیوندند. در نتیجه قبل از هر چیز باید کار این رژیم را هرچه زودتر یکسره کرد و جامعهای که شایستگی انسان را داشته باشد، بنا نهاد.

ادامه

متن مصاحبه رادیو

بنویسند ما این مسائل را در نشریه درج میکنیم تا این صدا را هر چه رساتر و در سطح وسیعتری بتوانیم گسترش دهیم. تا بتواند پلاتفرم و کیفرخواستی باشد در مقابل نظام سرمایه داری.

رادیو انترناسیونال: چرا اسم نشریه انقلاب کارگری است؟ امیر توکلی: ما فکر میکنیم

که راه دومی وجود ندارد در آینده ایران. همه میدانیم که ایران آستن تحولات اساسی و عمیقی است. پیش روی ما دو راه بیشتر نیست، یکی همین خط و همین زندگی فعلی را که کارگران فولاد اهواز ریشه اش را فریاد زدند که شرم است برای انسان امروز یا همین راه و همین سیستم را پیش ببریم یعنی نظام سرمایه داری و بردگی مزدی

را پیش ببریم و در اشکال دیگری ادامه دهیم. و یا اینکه با یک انقلاب کارگری این نظام را ویران کنیم و کارگرانی که متشکل هستند و شوراهاهایی که قدرت دارند و میآیند و همه نعمات زندگی را بین همه تقسیم میکنند و لازم نیست که اکثریت جامعه صبح تا شب کار کند اما هیچ چیزی نداشته باشد.

کارگران جهان متحد شوید!

مبارزه برای کاهش ساعات کار



ناصر اصغری

nasser_asgari@yahoo.com

عمومی‌شان قرار دهند. مسئله بیکاری مانند عزرائیل هر آن امکان دارد زنگ در خانه هر کارگری را صدا درآورد. اتفاقاً بیکاری تنها مسئله کارگر بیکار نیست. مسئله کل جامعه است و کارگر شاغل بعنوان رهبر جامعه باید پرچم بیمه بیکاری مکفی و کاهش ساعات کار را بلند کند.

سرمایه‌داران، بخشهایی از "کارخانمشان" را به دلالتی که ربط مستقیم به سوددهی کمتر از پیش بینی شده دارد می‌بندند و هزاران کارگر را بیکار می‌کنند و خانواده‌هایشان را به روز سیاه می‌نشانند، در حالی که کارگران بخشهای دیگر همان کارخانه را وادار به اضافه‌کاری بیش از حد می‌کنند. با وجود ارتش عظیم بیکاران، نباید تن به اضافه‌کاری داد، بلکه بر افزایش دستمزدها و کاهش ساعات کار بدون کاهش دستمزدها، پافشاری کرد. هم اکنون تشکلهای کارگران در کشورهای متعددی برای مقابله با معضل بیکاری، مبارزه برای کاهش ساعات کار بدون کاهش دستمزدها را به اعضایشان پیشنهاد می‌کنند.

مدافعین جامعه سرمایه‌داری خرده می‌گیرند که با این وضعیت اقتصادی در ایران نمی‌توان این خواسته‌ها را مطرح کرد. درست است اینها مدافعین نظام برده‌داری سرمایه‌داری هستند. در جامعه سرمایه‌داری هدف از تولید، انباشت سرمایه و تولید ارزش اضافه بیشتر است. در نتیجه اگر بیکار کردن و بستن کارخانه‌هایی به این امر کمک کند، زندگی میلیونها انسان را نیز به تباهی خواهند کشید و غم بر ابرو هم نخواهند آورد. اما هدف جامعه انسانی از تولید، برطرف کردن نیازهای جامعه است. کارگران برای

سرمایه‌داری در پروسه رشد و توسعه خود، ارتش ذخیره‌ای از بیکاران را بوجود می‌آورد که علاوه بر کارکردهای دیگرش برای نظام، پائین نگه داشتن دستمزد بخش‌های شاغل جامعه، هدف اصلی آن را تشکیل می‌دهد. اما این ارتش ذخیره به مرور زمان مشکل سازترین بحران جامعه سرمایه‌داری می‌گردد. مروری بر رسانه‌های جمهوری اسلامی، این بحران و ترس رژیم از آن را، به وضوح جلوی هر ناظری به نمایش می‌گذارد. نام آن را هم گذاشته‌اند: "خطر آسیب‌های اجتماعی!"

جمهوری اسلامی و سرمایه‌داران ریز و درشتش از یک طرف می‌خواهند از نیروی کار ارزان کارگران بیشترین سود را به جیب بزنند و از طرف دیگر کوچکترین توجهی به آن بخش از کارگران که در حاشیه مانده و بیکار هستند، نکنند. نه تنها این بلکه شدت کار را نیز چنان افزایش داده‌اند که علاوه بر صدمات جسمی و روحی گزارش نشده، هر از چندگاهی خبر مرگ کارگری را از شدت کار، در لابلای سطور اخبار می‌خوانیم. کارگران اما در برابر این زورگویی‌های سرمایه باید بر کاهش ساعات کار و افزایش چندین برابر دستمزدها باضافه بیمه بیکاری مکفی، پافشاری کنند و اگر هنوز این خواسته‌ها را مطرح نکرده‌اند، باید در دستور اولین جلسه مجمع

اخبار اعتراضات کارگری در دیماه ۸۲

در طول راهپیمایی کارگران با بهم زدن قاشق و ظروفی که در دست داشتند توجه مردم را به اعتراض خود جلب کردند. راهپیمایی انعکاس وسیعی در شهر داشت و مردم همبستگی خود با کارگران را ابراز کردند. * روز ۲۲ دی کارگران فرش گیلان در ادامه اعتراضات قبلی خود علیه بیکاری و نپرداختن دستمزدها با اجتماع در مقابل اداره کل تامین اجتماعی گیلان دست به اعتراض زدند.

اعتراضی زدند. روز ۱۴ دیماه کارگران کارخانه حریر قائم شهر در اعتراض به تعطیلی کارخانه و اخراج خود و ۴ ماه حقوق پرداخت نشده شان دست به تجمعی اعتراضی زدند. * روز ۱۵ دیماه کارگران لوله سازی خوزستان در اعتراض به واگذاری این شرکت به بخش خصوصی و بلاتکلیفی و عدم پرداخت دستمزد ۴ ماه خود به مدت ۲۰ دقیقه جاده اصلی اهواز - خرمشهر را بستند. این کارگران روز ۱۶

* روز ۲ دی ماه ۳۰۰ کارگر کارخانه مگاموتور در اعتراض به نبود امکانات تهویه و گرما و نامناسب بودن شرایط کار دست به اعتصاب زدند. * روز جمعه ۵ دیماه بار دیگر یکی از کارگران ایران خودرو به نام امید اولادی که در شیفت شب کار میکرد و ۲۲ سال سن داشت در اثر فشار کار در ساعت ۳ نیمه شب از هوش رفت و بعد از ۵ روز در بیمارستان شماره ۲ جان سپرد.



* روز ۲۲ دیماه کارگران شرکت پارس ایران که یکی از بزرگترین کارخانجات نساجی کشور است، با تشکیل یک تجمع اعتراضی در مقابل اداره کل کار و امور اجتماعی گیلان خواهان پرداخت دستمزدهای معوقه خود شدند. کارگران بیش از ۷ ماه است که دستمزدی دریافت نکرده‌اند. این کارخانه ۲۶۸ کارگر دارد. * کارگران شرکت لامیرال در اعتراض به عدم پرداخت حق بهره‌وری سالانه که در واقع بخشی از دستمزد کارگران است، بمدت ۶ روز در فاصله ۱۳ تا ۱۸ دیماه دست به اعتصاب و اعتراض زدند.

آذر ماه نیز در ادامه این اعتراضات دست از کار کشیدند و تا مقابل استانداری خوزستان دست به راهپیمایی زدند. * روز ۱۶ دیماه بیش از ۴۵۰ نفر از کارگران شرکت فرش گیلان در اعتراض به دستمزدهای پرداخت نشده ۴ ماه خود از محل کارخانه تا نزدیکی قرارگاه قدس دست به راهپیمایی زدند. * از ۱۳ تا ۱۸ دیماه کارگران کارخانجات نساجی کاشان بدلیل نپرداختن دستمزدها دست از کار کشیدند و اعتصاب کردند. در ۱۸ دیماه کارگران بطرف فرمانداری و اداره کار و تامین اجتماعی راهپیمایی کردند و خواستار دستمزدهای معوقه خود شدند.

* روز ۶ دیماه صدها تن از کارگران پتروشیمی آبادان در اعتراض به بیکارسازیها و عدم امنیت شغلی دست از کار کشیدند و به عنوان اعتراض در محوطه کارخانه تجمع و تحصن کردند. * روز ۱۰ دیماه کارگران و کارکنان سازمان آب و فاضلاب خرمشهر در اعتراض به حقوق معوقه خود در برابر درب این شرکت دست به تجمعی اعتراضی زدند. * روز ۱۲ دی ماه کارگران کارخانه های مخمل و ابریشم کاشان در اعتراض به عدم اجرای قانون بازنشستگی پیش از موعد در مشاغل سخت و زیان آور توسط تامین اجتماعی دست به تجمعی

معلمان خواستها مبارزات

گفتند خواهان جامعه ای برابر و آزاد هستند. معلمان در مبارزاتشان علیه سانسور و خفقان حاکم بر مدارس اعتراض کردند. گفتند که دیگر حاضر نیستند به تحقیر تن بدهند. معلمان خواهان آزادی بیان و عقیده، حق تشکل، حق اعتصاب و برپایی جمعاعات خود، حق انتخاب مدیران و مسئولان آموزش و پرورش توسط خودشان، منحل شدن نهاد های جاسوسی در مدارس، داشتن امنیت شغلی، حق داشتن مسکن مناسب و برخورداری از بیمه درمانی رایگان و بسیاری خواستهای دیگر شدند. تحمیل آموزش دروس مذهبی به جای آموزش علم به دانش آموزان، تحمیل حجاب اجباری و آپارتاید جنسی و جداسازی دختران و پسران در مدارس و جداسازی دفتر کارشان معلمان زن و مرد از یکدیگر و کار در شرایط سخت و دشوار کنونی مورد اعتراض معلمان است و دیگر حاضر نیستند به قبول آنها تن بدهند. استاندارد پایین کلاسهای درس، تعداد زیاد دانش آموزان هر کلاس و مشکل تمرکز دانش آموزان در کلاسهای درس بخاطر فقر تغذیه بر مشکلات کار معلمان صد چندان افزوده است. مجموعه این شرایط تداوم این وضعیت را برای معلمان غیر ممکن کرده است. معلمان خواهان فوری پایان دادن به اینهمه تحقیر و بهبود شرایط کار و معیشتشان هستند. واقعیت اینست که با فشاری که امروز بر شرایط کار و زندگی معلمان وارد میشود، خواستهای آن لیست طولانی ایست که در راس آن خواست افزایش حقوقها قرار دارد. متوسط دریافتی معلمان به گفته خود دولت رقمی در حدود ۱۶۷۰۰۰ تومان در ماه است که سطح آن حتی از رقم ۱۷۰۰۰۰ تومان که رقم اعلام شده خط فقر از سوی دولت است بسیار پایین تر است. بویژه با افزایش هر روزه قیمت ها هر روز تنزل بیشتری پیدا میکند. معلمان

خواهان رفع تبعیض و افزایش فوری حقوقهایشان هستند. معلمان میگویند سطح زندگی آنان نباید با خط فقر ترازو شود و حقوق آنها باید چندین برابر افزایش یابد تا بتواند کفاف اولیه زندگی آنها را بکند. معلمان خواهان زندگی ای متناسب با استانداردهای بشریت متمدن امروز هستند. همچنین حق تشکل، حق اعتصاب و برپایی تجمع، رفع تبعیض، لغو سانسور و آزادی بیان و عقیده، لغو حجاب اجباری و آپارتاید جنسی و نیز تامین مسکن مناسب و بیمه درمانی رایگان، اینها همه رتوس خواستهای هستند که امروز میتوانند خطوط قطعنامه های اعتراضی معلمان را تشکیل دهند. طبعاً اینها رتوس خواستهای فوری معلمان است اما روشن است که یک شرط مهم داشتن آموزش و پرورش سکولار جدایی مذهب از آموزش و پرورش است. یعنی اینکه کلیه قوانین و مقرراتی که ناقض اصل آموزش و پرورش غیر مذهبی هستند و در راس آن حجاب اجباری و آپارتاید جنسی لغو شود. در مدارس تدریس دروس مذهبی، تدریس خرافات و احکام مذهبی ممنوع شود. داشتن هر گونه سمبل مذهبی از جمله حجاب اسلامی و سمبلهای مذاهب دیگر ممنوع گردد و در یک کلام کلیه مظاهر مذهب و خرافه از مدارس جارو شود. همچنین باید بهترین دستاوردهای علمی و آموزشی بشر در خدمت کل جامعه قرار بگیرد. به عبارتی دیگر ما نیاز به آموزش و پرورش سکولار، آزاد، برابر و انسانی داریم. حاکمیت جمهوری اسلامی و کل نظام حاکم بر جامعه بهترین مانع در تحقق چنین آموزش و پرورش است. باید کل این حاکمیت و این نظام را به زیر کشید.

مبارزه معلمان و تدارک اعتصابی دیگر

در چند ساله اخیر معلمان

همواره خواستهایشان را مطرح کرده و برای آن مبارزه کرده اند. در سال ۸۰ بود که حرکت اعتراضی آنان به تظاهرات هزاران نفره وسیع و با شکوهی تبدیل شد و جایگاه ویژه تری به اعتراضات آنان داد. این حرکت آنان بر فضای سیاسی جامعه و بر روی خواستهای دیگر بخش های جامعه تاثیر مهمی گذاشت. بدنبال آن در سال ۸۱ دوباره معلمان به خیابانها آمدند و خواستها و مطالباتشان را پیگیری کردند. امسال نیز این اعتراضات بشکلی سراسری در روز جهانی معلم روز ۱۳ مهر صورت گرفت و این روز را به روز اعتراض معلمان تبدیل کرد و گرامی داشت این روز را بعنوان روز معلم در ایران سنت گذاشت. اکنون نیز این اعتراضات ادامه دارد و هم اکنون معلمان خود را برای اعتراضی سراسری در روزهای ۲۷، ۲۸، ۲۹ دیماه آماده میکنند و اولتیماتوم داده اند که اگر تا آنروز به خواستهایشان پاسخی داده نشود دست به اعتصابی سراسری خواهند زد. باید با تمام قوا از این اعتراضات حمایت و پشتیبانی کرد. میلیونها دانش آموز و خانواده هایشان نیروی عظیمی است که حمایت آنها از اعتراضات معلمان میتواند بعد اجتماعی و گسترده ای به اعتراضات معلمان بدهد. در تظاهرات هزاران نفره معلمان در سال ۸۰ ما دیدیم که پیوستن مردم، بویژه دانش آموزان و خانواده هایشان به صف اعتراض آنها چه ابعاد بزرگی به حرکت آنان داد. در شرایط سیاسی امروز که دعوای و شکافهای داخلی حکومت بر سر مضحکه انتخابات بالا گرفته است، جمهوری اسلامی در فشار و تنگنای جدی قرار دارد، بهترین فرصت نه تنها برای معلمان بلکه برای کل جامعه است تا مبارزات خود را با قدرت هر چه بیشتری به پیش برند. نباید گذاشت اعتراض معلمان از اعتراض بخش های دیگر

متن مصاحبه رادیو

انترناسیونال با امیر توکلی



رادیو انترناسیونال: در ماه های گذشته ۸ شماره از نشریه انقلاب کارگری منتشر شده است، با سردبیر این نشریه امیر توکلی مصاحبه ای داریم. با شب بخیر به شما. ضمن تبریک برای انتشار نشریه انقلاب کارگری ممکن است که بگویید چه اهدافی را نشریه دنبال میکند و چرا اساساً منتشر شد؟

امیر توکلی: همانطور که خودتان گفتید ۸ شماره از این نشریه تا حالا منتشر شده است. سعی میکنیم که این نشریه دو بخش داشته باشد، بخشی را به درج اخبار و مبارزات جاری کارگران اختصاص دادیم سعی میکنیم که این مبارزات را منعکس کنیم در همین رابطه مصاحبه هایی را با فعالین کارگری و

رهبران کارگری ترتیب میدهیم تا از این طریق بتوانیم کمک فکری باشیم به رهبران عملی کارگری در محل. بخش دیگر نشریه به متن و پایه های مارکسیسم و کمونیسم کارگری اختصاص دارد هر هفته یکی دو صفحه نشریه را به این اختصاص بدیم. از نظر اهداف و خط فکری که نشریه پی میگیرد سعی میکند که صدای مبارزات کارگران را هرچه رساتر کند همه کوشش ما این است. بطور مثال چند روز پیش ما اعتصاب و راهپیمایی کارگران فولاد اهواز را داشتیم، کارگران جلوی استانداری خوزستان شعار میدادند و فریاد میزدند: مرگ بر این زندگی این همه شرمندگی. این صدای ماست. یعنی ما فکر میکنیم که این زندگی شایسته انسان امروز نیست، این زندگی شایسته تولید کننده گان اصلی جامعه که همان کارگران باشند، نیست.

جامعه منفرد بماند. باید همه بخش های جامعه کارگران، دانشجویان و بویژه دانش آموزان و خانواده های آنان از مبارزات معلمان حمایت و پشتیبانی کنند. باید بکوشیم

این زندگی شایسته کسانی نیست که صبح تا شب کار میکنند در بدترین شرایط در ناامن ترین شرایط و همچنان زیر خط فقر هستند و گاهی هم کشته میشوند بخاطر شدت کار مثل امید اولادی که چندی پیش در ایران خودرو از بین رفت. ما سعی میکنیم این صدا را این صدای اعتراض کارگران را در نشریه منعکس کنیم و میتوان گفت که هدف اصلی و کوشش اصلی اش همین است.

رادیو انترناسیونال: پرورد انتشار به چه ترتیب است و از چه طریقی میتوان به نشریه دسترسی پیدا کرد؟

امیر توکلی: نشریه هفتگی است و شنبه ها منتشر میشود و ما سعی میکنیم که تا شنبه عصر روی نت باشد. همانطور که گفتیم از اینترنت و سایتهای www.rowzane.com www.kargaran.org نشریه را دریافت کرد.

رادیو انترناسیونال: چه انتظاری از شنوندگان در ایران دارید، فعالین کارگری و یا علاقمندان به این نشریه چکاری میتوانند برای این نشریه انجام دهند؟

امیر توکلی: من همین جا قبلاً از همه کسانی که برای ما گزارش و اخبار را تهیه خواهند کرد، تشکر میکنم. لطف کنند برای ما گزارشات کارگری و اخبار را بفرستند، از وضع زندگی کارگران

به اشکال مختلف از دادن قطعنامه های حمایتی تا شرکت در جمعاعات و اجتماعات اعتراضی ای که معلمان بر پا میکنند، مبارزات آنها را تقویت کنیم.

” Let the ruling classes tremble at a
Communist revolution. The proletarians
have nothing to lose but their chains. They
have a world to win.”

WORKERS REVOLUTION

Nr. 9

17.01.2004



مبانی کمونیسم کارگری سمینار اول کمونیسم کارگری (مارس ۱۹۸۹)

قسمت هفتم

مینامید. و حتی ایده انقلاب اجتماعی کمونیستی را طرح میکرد. مارکسیسم بر این مبنا حرف میزند. بنابراین این مانیفست کمونیست است بخاطر اینکه با سوسیالیسم، که مشخصه سوسیالیسم بورژوازی است، مرزبندی بکند و خود را بعنوان کمونیست، بعنوان مدافع سوسیالیسم کارگری متمایز کند. کمونیستها در آن زمان کارگران بودند. اکنون صد و سی و چند سال از مانیفست کمونیست گذشته است و کمونیسم عملاً موجود دیگر مشخصه کارگران نیست بلکه حالت همان سوسیالیسمی را پیدا کرده که مارکس زمان خودش از آن حرف میزد، متعلق به بورژواهاست. بنابراین ما کلمه کارگری را به آن اضافه میکنیم و میگوییم ”کمونیسم کارگری” برای اینکه ما را برگرداند درست بر سر این موقعیت اجتماعی که انگلس از آن سخن میگفت. به این ترتیب اگر بخواهم مانیفست کمونیست را دوباره چاپ کنم، نامش را میگذارم مانیفست کمونیست کارگری. منتهی بعداً توضیح میدهم که این مانیفست صد و سی سال قبل کمونیسم کارگری است و کمونیسم کارگری امروز به یک تبیین جدیدی از جهان امروز احتیاج دارد. و باید برای جهان امروز خط مشی تعیین کند

شخصیتها و متفکرینش. وایتلینگ در آلمان، کابه در فرانسه و غیره) که نخراشیده و نتراشیده علیه مالکیت بورژوازی قد علم کرده بودند. ما وقتی حرفهایمان را نگاه کردیم، دیدیم باید عنوان این جنبش را روی آن بگذاریم. این بیانیه فقط میتواند اسمش کمونیست باشد. میگوید اینها بخودشان میگفتند کمونیست در نتیجه ما هم اسم این مجموعه دیدگاه و تئوری و نگرش را کمونیسم گذاشتیم. عبارت دیگر مارکسیسم اصلاً خودش را بعنوان خودآگاهی و عالیترین سطح بیان این گرایش اجتماعی معرفی میکند. مانیفستی که صادر میکند، میگوید مانیفست اینهاست. مانیفست این گرایش اجتماعی فی الحال موجود است. حالا دیگر با مارکسیسم این جنبش به یک مبنا نظری محکم دست یافته است. انگلس میگوید در مقطع انتشار مانیفست سوسیالیسم اقلاً در قاره اروپا کاملاً محترم بود در صورتیکه کمونیسم کاملاً برعکس آن بود. کمونیسم کارگران بود. در مقابل سوسیالیسم طبقات تحصیلکرده بورژوا. کمونیسم سخن آن بخش طبقه کارگر بود که بازسازی رادیکال جامعه را طلب میکرد، میگفت که انقلاب سیاسی فقط کافی نیست و باید یک انقلاب اجتماعی صورت بگیرد. این بخش خود را کمونیست

حرف میزند. این جوهر جامعه معاصر است. بروید پشت روزنامه های آزاد بورژوازی، ببینید اساسان چیست؟ آنتی کمونیسم، ضدیت با کمونیسم و سوسیالیسم و مارکس و طبقه کارگر. بروید پشت دانشگاههایشان را ببینید، ضدیت با سوسیالیسم و کمونیسم و مارکس و طبقه کارگر. این اساس وجودی نهادهای فرهنگی و روینائی این جوامع، اساس اشکال حکومتی آنها است. اساس وجود یا عدم وجود دموکراسی یا دیکتاتوری در این کشورها هم همین است. این تمام قضیه است. اصل قضیه است. و گرایش کمونیسم کارگری در این اصل قضیه – یعنی در این رویارویی طبقه کارگر با بورژوازی – است که مکان تعیین کننده و زنده ای دارد. و بالاخره به این نکته میرسیم که مارکسیسم چیزی جز خودآگاهی این گرایش نبوده است. ببینید انگلس در مقدمه مانیفست کمونیست چه میگوید. میگوید از ما میپرسند چرا اسم مانیفست کمونیست را برگزیده اید؟ چرا اسم این بیانیه مانیفست سوسیالیست نیست؟ انگلس میگوید سوسیالیسم در آن موقع یک چیز معینی بود، نمایندگانی داشت، آن جریان محترم بورژوازی بود که میخواست جامعه بورژوازی را اصلاح بکند، اوضاع رقت انگیز طبقات فرودست را بهبود ببخشد برای اینکه اتفاقاً سرمایه سرکار بماند. در مقابل اینها کارگرانند. اینها یک نوع سوسیالیسمی را آورده بودند (که اسم میبرد از

ایستاده است که دارد قدرت میگیرد. به این خاطر رشد میکند. به این خاطر حزب دمکرات نفوذش را در مقابل ما از دست میدهد. و اگر ما اینرا بشناسیم آنوقت این پروسه دیگر باید آگاهانه پیش برده شود. یعنی نقطه قدرت تشکیلاتی مثل کومهله را باید در طبقه کارگر جستجو بکنید و آنجائی که این طبقه مجتمع است، متمرکز است و در آن اشکالی که او اعتراض میکند. کسی که قدرت کومهله را در جای دیگری جستجو کند بنظر من سوراخ دعا را گم کرده است. یعنی تاریخ معاصر خودش را نشناخته، دینامیسم تاریخ معاصر خودش را نشناخته که بتواند بر این تاریخ تاثیر بگذارد و حزب اش را پیش ببرد. بهرحال این بحثی است که در آخر باید برگردم سراغش. اینجا فقط خواستم یک تصویر عینی تری داشته باشید از این حرف که کمونیسم کارگری یک جریان جلوی صحنه در جامعه معاصر است. پدیده ای نیست که من باید به کمک باستان شناسان یا محققینی از طریق علمی وجود آنرا ثابت کنم. این پدیده هر روز دارد مهرش را به اینکه بورژوازی چکار میکند، در تولید و سیاست چه میکند، چه ایدئولوژی ای را رواج میدهد، چه اخلاقیاتی در خودش تحکیم میکند، چقدر به مذهب میدان میدهد، چقدر به لیبرالیسم میدان میدهد و غیره، میگوید. همه حرکات و افعال طبقه بورژوا متاثر از اینست که روبروی طبقه ای قرار دارد که از سوسیالیسم

این سوسیالیسم درون طبقه، انعکاس تغییر ساختاری جامعه است. تبدیل جامعه ماقبل سرمایه داری به سرمایه داری و لاجرم پیدا شدن آنتی تز سرمایه داری در مقابل خودش، پیدایش مبنای تغییر خودش. تمام بحث مارکس در مانیفست اینست که با پیدایش سرمایه داری پرولتاریای نوینی شکل گرفته که پایه مادی و عینی سوسیالیسم است. پرچم سوسیالیسم را در دست دارد. سوسیالیسم را میخواهد. نابودی سرمایه داری را میخواهد برای نفی آن ارکانی تلاش میکند که سرمایه داری بر پایه اش بنا شده، یعنی مالکیت خصوصی بر وسایل تولید. به این ترتیب این سوسیالیسم همانقدر واقعی و عینی است که سرمایه داری. این حرکت سوسیالیستی همانقدر جدی و عینی است که سرمایه داری. و بحث من اینست که این حرکت و این مبارزه طبقاتی اساس تاریخ معاصر است. اگر کسی میخواهد حزبی راه بیاندازد و موفق بشود، باید جای خود را در این مبارزه پیدا کند. اگر یک حزب سیاسی یک جا رشد میکند، از آن روست که پاسخگوی مسائلی در این مبارزه بوده است. من قبل از کنگره ششم کومهله در کردستان این بحث را کردم (که در قطعنامه های کنگره هم آمده است) که علت اینکه کومهله رشد کرده بیشتر از آنکه بخاطر درایت ما باشد، بخاطر این است که حزب یک طبقه ای است که دارد بطور عینی قدرت میگیرد. بطور عینی کنار طبقه ای

آزادی برابری حکومت کارگری

ادامه در شماره بعد